

# اعتبار حقوقی شرط گزینش دادگاه در قراردادهای الکترونیکی<sup>۱</sup>

Enoshadi@Gmail.com |

ابراهیم نوشادی

دکتری حقوق بین‌الملل - مدرس دانشگاه پیام نور (نویسنده مسئول)

علیرضا حجت‌زاده

عضو هیئت علمی دانشگاه پیام نور

پذیرش: ۱۳۹۱/۱/۲۶

دریافت: ۱۳۹۰/۵/۱۹

**چکیده:** فقدان یک نظام حقوقی متحدالشکل صلاحیتی درباره موضوعات تجاری و مدنی در سطح بین‌المللی و ماهیت جهانی فضای مجازی سبب شده است که آثار اعمال حقوقی فضای مجازی، از مرزهای یک کشور فراتر رود و دادگاه‌های متعددی با توسل به عوامل ارتباطی مختلف، بر آن عمل حقوقی، اعمال صلاحیت کند. برای جلوگیری از صلاحیت‌های ناخواسته، متصدیان تجارت به تعیین دادگاه صالح در قراردادهای الکترونیکی می‌پردازند. آیا این عمل واجد اعتبار حقوقی است؛ آیا اشخاص می‌توانند اراده خود در خصوص تعیین دادگاه صالح را به طور الکترونیکی بیان کنند؟ رویکرد قانونگذاری و رویه قضایی، بیانگر این است که اصول برابری کاربردی، بیطرفی فنی و آزادی طرفین در انتخاب شکل قرارداد، مبین اعتبار حقوقی بیان اراده بدین شکل است. به گونه‌ای که اعتباری همانند بیان اراده به نحو کتبی دارد، اما اعتبار آن به لحاظ ماهوی باید بر اساس اصول وفای به عهد، لزوم رعایت عدالت قضایی و اصل صلاحیت حمایتی بررسی شود. بنابراین، ارزیابی حقوقی آن به لحاظ شکلی، با رویکردی حکمی و اعتبار ماهوی با رویکردی موضوعی ممکن است.

**کلیدواژه‌ها:** شرط گزینش دادگاه، قرارداد الکترونیکی، دادگاه صالح، فضای مجازی، قانون حاکم

۱. موضوع قراردادهای الکترونیکی بر حسب مورد، می‌تواند کالا و خدمات مادی یا کالا و خدمات مجازی نظیر خرید نرم‌افزار باشد. در هر دو مورد، امکان انعقاد قرارداد به شکل الکترونیکی وجود دارد. اما اجرای قراردادهای دسته اول، صرفاً به شکل تحویل عینی، میسر است، اما اجرای قراردادهای دسته دوم به صورت بر خط نیز ممکن است. عبارت قراردادهای الکترونیکی مذکور در مقاله حاضر، بیانگر هر دو نوع قراردادهای مذکور است.

## مقدمه

فقدان نظام حقوقی متحدالشکل صلاحیتی در خصوص اعمال حقوقی بین‌المللی و ماهیت جهانی فضای مجازی سبب شده است آثار اعمال حقوقی نظیر قراردادهای الکترونیکی، از مرزهای یک کشور فراتر رود و دادگاه‌های متعددی با توسل به عوامل ارتباطی مختلف، بر یک عمل حقوقی اعمال صلاحیت کنند و افراد دخیل در تجارت الکترونیک، با اعمال صلاحیت ناخواسته و تعارض صلاحیت‌ها مواجه شوند. این وضعیت، سبب عدم پیش‌بینی‌پذیری صلاحیت قضایی بر اعمال حقوقی در فضای مجازی<sup>۱</sup> می‌گردد. برای جلوگیری از صلاحیت‌های ناخواسته، دو روش مرسوم است: اول، روش مبتنی بر اتخاذ تدابیر غیرقضایی<sup>۲</sup>؛ دوم، روش حقوقی، که بر اساس آن برای تعیین دادگاه صالح، شرطی در قرارداد درج می‌گردد و طرف مقابل، هنگام انعقاد قرارداد، ملزم به پذیرش آن است.<sup>۳</sup> در این روش، متصدیان تجارت الکترونیک، برای جلوگیری از اعمال صلاحیت دادگاه خارجی، به ارائه موافقتنامه انتخاب دادگاه صالح در وب سایت، به شکل موافقتنامه مبتنی بر انتخاب نمایه یا موافقتنامه توأم با دریافت می‌پردازند<sup>۴</sup>، زیرا آن را مناسب‌ترین و مؤثرترین روش برای ممانعت از اعمال صلاحیت

۱. برای بررسی مفهوم حقوقی فضای مجازی ر. ک. به (Thomas, Schultz ۲۰۰۸) و (Folsom, Thomas C. ۲۰۰۶).  
۲. اتخاذ تدابیر غیرقضایی نیز گزینه‌ای برای حل موضوعات صلاحیتی در فضای مجازی است؛ از این تدابیر برای جلوگیری از شمول صلاحیت بر کاربران واقع در محدوده جغرافیایی خاص استفاده می‌شود؛ از جمله این تدابیر می‌توان به فناوری شناسایی کاربر اشاره کرد که از طریق شناسایی آدرس آی‌پی یا از طریق اطلاعات کارت اعتباری محدوده جغرافیایی کاربر را تشخیص می‌دهد. یا اینکه از طریق وضع شرایطی در صفحه وب، صلاحیت برخی دادگاه‌ها استثنای می‌شود و از این طریق در اخذ سفارش کالا و خدمات از برخی کشورها محدودیت ایجاد می‌شود. اگرچه این تدابیر می‌توانند کاربردی باشند و مانع از برخی اعمال صلاحیت‌ها شوند. اما به طور مطلق نمی‌توانند مانع از اعمال صلاحیت سایر دادگاه‌ها بر گردانندگان وب سایت گردند. بلکه صرفاً می‌توانند دلیل این امر باشند که سایت قصد نداشته است اشخاص مقیم در برخی صلاحیت‌ها را طرف معامله قرار دهد.

۳. شرط گزینش دادگاه، قراردادی است که بر اساس آن به دادگاه یا داور معینی برای رسیدگی به اختلاف‌های یک رابطه حقوقی مشخص، صلاحیت اعطاء می‌شود (کنوانسیون راجع به موافقتنامه انتخاب دادگاه، ۲۰۰۵، ماده ۳ (الف)، خلیلیان، ۱۳۸۲: ۸۰). بر اساس این شرط، اختلاف‌های فعلی یا بالقوه رابطه حقوقی باید نزد دادگاه کشور خاصی مطرح گردد. بدین ترتیب، توافق طرفین منجر به اعطاء صلاحیت به دادگاهی می‌شود که اصولاً فاقد صلاحیت رسیدگی به اختلاف‌های آن قرارداد است (جنیدی، ۱۳۸۷: ۴۹) و هدف طرفین از درج شرط گزینش در قرارداد، این است که دادگاه خاصی را برای رسیدگی به اختلاف‌ها تعیین کنند و مانع از اعمال صلاحیت سایر دادگاه‌ها بر اختلاف‌های قراردادی‌شان شوند.

۴. مفهوم موافقتنامه‌های مبتنی بر انتخاب نمایه یا موافقتنامه‌های مبتنی بر انتخاب وب، ناشی از موافقتنامه‌های بسته‌ای به عنوان موافقتنامه مجوز نرم‌افزارهای بین مالک حقوق معنوی نرم‌افزار و مصرف‌کننده است. موافقتنامه بسته‌ای، واجد شرط کتبی یا اخطاریه‌ای بر روی بسته نرم‌افزاری است که بر اساس آن شما با روشن کردن کامپیوتر، موافقتنامه مربوط به نرم‌افزار را خوانده و قبول کرده‌اید. تولیدکننده فرض می‌کند که مصرف‌کننده با خرید نرم‌افزار و نصب آن، شرایط خاص مندرج در نرم‌افزار را پذیرفته است. بر خلاف قراردادهای بسته‌ای، برای قراردادهای مبتنی بر انتخاب نمایه، نیاز است که مصرف‌کننده اقداماتی نظیر استفاده از موس برای انتخاب گزینه "من موافقم"، "می‌پذیرم"، "OK" یا اصطلاحاتی مشابه را برای بیان رضایت درباره موافقتنامه انجام دهد

دادگاه‌های خارجی، بر دعاوی ناشی از قراردادهای الکترونیکی‌شان می‌دانند (بورستین<sup>۱</sup>، ۱۹۹۸: ۲۷). اگر این روش واجد اعتبار حقوقی باشد، راهکار مفیدی برای کاهش مسئولیت ناشی از انعقاد قرارداد از راه دور است.<sup>۲</sup> اما اعتبار حقوقی، شکل و ماهیت این گونه توافق‌ها در ادبیات حقوقی<sup>۳</sup>، رویه قضایی<sup>۴</sup> و قانونگذاری‌های داخلی و منطقه‌ای و بین‌المللی مورد بحث است (موافقتنامه انتخاب دادگاه ۲۰۰۵، آیین‌نامه بروکسل ۲۰۰۱)، به گونه‌ای که درباره اعتبار حقوقی آن گاهی تردید وجود داشته است. در پژوهش حاضر هدف این است که با بررسی حقوق ایران، ایالات متحده آمریکا، اتحادیه اروپا و کنوانسیون لاهه، ضمن تبیین الزام‌های شکلی حاکم بر شرط گزینش دادگاه و روش‌های اعتبارسنجی این شرط به لحاظ ماهوی<sup>۵</sup>، به این پرسش پاسخ داده شود که آیا توافق درباره اعطای صلاحیت به دادگاه خاص، با استفاده از نشانه‌های الکترونیکی، واجد اعتبار حقوقی است؟ و با فرض اعتبار، آیا این اعتباربخشی مطلق است یا استثنائاتی دارد؟

### مبانی حقوقی شرط گزینش دادگاه

شرط گزینش دادگاه در سطح بین‌المللی، منطقه‌ای و داخلی مورد قانونگذاری قرار گرفته و در نظام‌های حقوق عرفی نیز رویه قضایی جالب توجهی به آن اختصاص یافته است. مهمترین سند بین‌المللی درباره این موضوع، کنوانسیون سی‌ام ژوئن ۲۰۰۵، کنفرانس لاهه موسوم به کنوانسیون موافقتنامه انتخاب دادگاه است<sup>۶</sup> که صرفاً بر شرط گزینش انحصاری دادگاه در معاملات تاجر با تاجر در روابط تجاری و مدنی حاکم است؛ البته با این پیش فرض تدوین شده است که وجود قواعد متحدالشکل درباره صلاحیت، می‌تواند منجر به توسعه تجارت بین‌المللی شود (هارتلی و دگاچی<sup>۷</sup>، ۲۰۰۵: ۲).

#### 1. Burstein

۲. قرارداد از راه دور، به معنای ایجاب و قبول شرایط مربوط به کالا و خدمات بین تأمین‌کننده و مصرف‌کننده با استفاده از وسایل ارتباط از راه دور است (قانون تجارت الکترونیکی، ۱۳۸۲، ماده ۲ بند ص)  
 ۳. برای بررسی ادبیات حقوقی حاکم بر این موضوع ر. ک. به:

Schulz, 2004; Haines, 2002: 14 & Forner, 2002: 47-73

۴. برای بررسی رویه قضایی مرتبط با این موضوع ر. ک. به:

Moringiello & Reynolds, 2008: 6-14

۵. غالب رویه قضایی استنادی، از نظام حقوقی ایالات متحده آمریکا نقل شده است و دلیل آن نیز عرفی بودن نظام حقوقی مذکور و اهمیت رویه قضایی در آن نظام است. علاوه بر این، به دلیل آمره بودن قواعد حاکم بر صلاحیت و عدم امکان عدول قراردادی از آن در حقوق ایران، جایی برای بررسی آن در رویه قضایی ایران و تولید ادبیات حقوقی یا صدور آراء قضایی درباره این موضوع وجود نداشته است

۶. به کنوانسیون سی ام ژوئن ۲۰۰۵ راجع به موافقتنامه انتخاب دادگاه، همراه با تفسیر رسمی می‌توان در نشانی ذیل دسترسی یافت:

<http://www.hcch.net>

7. Hartley & Dogauchi

در نظام حقوقی ایالات متحده، در دادگاه‌ها گرایش به رعایت شرط گزینش دادگاه وجود نداشته است، ولی بعد از تصمیم دیوان عالی در پرونده بری من علیه شرکت نفت فلات قاره زاپاتا، شرط گزینش دادگاه در قراردادهای بین تجار به نحو گسترده‌ای مورد پذیرش قرار گرفت<sup>۱</sup> (نوشادی، ۲۰۴:۱۳۹۰). ولی به قراردادهای منعقد شده بین تاجر با مصرف‌کننده تسری نیافت. متعاقباً در پرونده خطوط کشتی‌رانی کارنیوال علیه شوت، دیوان عالی آمریکا به قابلیت اجرای شرط گزینش دادگاه مندرج در قرارداد مصرف‌کننده نیز رأی داد (نوشادی، ۲۰۴:۱۳۹۰) و منجر به تغییر قاعده عدم پذیرش مطلق شرط گزینش دادگاه در قرارداد مصرف‌کننده شد. کنگره آمریکا نیز با تصویب قانون داوری فدرال<sup>۲</sup> به شرط گزینش داوری اجباری، اعتبار حقوقی اعطا کرد (هاینس<sup>۳</sup>، ۲۰۰۲: ۱۴).

بنابراین، نظام حقوقی ایالات متحده رویکردی موسع به پذیرش شرط گزینش دادگاه اتخاذ کرده و درج آن را در هر نوع قراردادی، اعم از تاجر با تاجر یا تاجر با مصرف‌کننده پذیرفته است، ولی اتحادیه اروپا با رویکردی مضیق، درج شرط گزینش دادگاه را صرفاً در قرارداد الکترونیکی پذیرفته است (ونتسون<sup>۴</sup>، ۲۰۰۴: ۶۱)، زیرا گرچه به طرفین اجازه می‌دهد که با انعقاد قرارداد الکترونیکی، دادگاه یکی از دول عضو اتحادیه اروپا را برای رسیدگی به اختلاف‌های قراردادی یک رابطه حقوقی بین‌المللی تعیین کند (آیین‌نامه بروکسل اول، ۲۰۰۱، بند ۲ ماده ۲۳)، این اطلاق با قید ماده ۱۶ کنوانسیون بروکسل تخصیص می‌یابد و قراردادهایی که یک طرف آن، مصرف‌کننده باشد، از شمول آن خارج می‌شود. در حقوق ایران قانون خاصی درباره اعتبار شرط گزینش دادگاه وجود ندارد؛ بنابراین قابلیت اجرای چنین موافقتنامه‌هایی را باید بر اساس موازین اعتبار در سایر قراردادها مورد بررسی قرار داد (قانون تجارت الکترونیکی، ۱۳۸۲، ماده ۷۷). بنابراین در این باره که آیا طرفین در حقوق ایران، اساساً حق انتخاب دادگاه صالح را دارند، قانون صریحی وجود ندارد. ولی با توجه به اینکه بر اساس قانون مدنی، طرفین حق دارند در هر قراردادی، اقامتگاه خود را به طور اختیاری (قراردادی) تعیین کنند (قانون مدنی، ماده ۱۰۱۰) و اصل بر صلاحیت دادگاه محل اقامت خوانده است (قانون آیین دادرسی مدنی، ۱۳۷۹، ماده ۱۱)، می‌توان گفت که این حق به طور ضمنی به طرفین قرارداد داده شده است. ولی درباره انتخاب صریح، از آنجایی که قوانین حاکم بر صلاحیت قضایی، در حقوق ایران از جمله

۱. در دعوی شرکت بری من علیه شرکت زاپاتا یکی از طرفین دعوی تابعیت آمریکایی و دیگری تابعیت آلمانی داشت، بر اساس شرط گزینش دادگاه مندرج در قرارداد، دادگاه لندن به عنوان دادگاه منتخب تعیین شده بود اما دادگاه عالی ایالات متحده، رای داد چون طرفین به طور آزادانه شرط گزینش دادگاه را بررسی و قبول کرده‌اند، این شرط اجرایشناختنی است.

2. FAA

3. Haines

4. Svantesson

مقررات آمره بیان شده است، طرفین قرارداد حق توافق بر خلاف آن را ندارند؛ بنابراین شرط گزینش صریح دادگاه، بر وفق مفاد ماده ۱۰ قانون مدنی، فاقد اعتبار است. دیدگاه سنتی حقوق ایران درباره عدم قابلیت اجرای شرط گزینش دادگاه، به نفع تجارت بین‌المللی نیست، زیرا لازمه توسعه تجارت بین‌المللی، پیش‌بینی‌پذیر کردن صلاحیت قضایی است که از طریق اعتباربخشی به شرط گزینش دادگاه تحقق‌پذیر است. با وجود این، هدف پژوهش حاضر این است که با فرض اعتبار حقوقی شرط گزینش دادگاه، تحقق و اعتبار آن را از طریق نشانه‌های الکترونیکی مورد بررسی قرار دهد.

### شرایط شکلی و ماهوی شرط گزینش دادگاه

به لحاظ شکلی، شرط گزینش دادگاه باید به شکل کتبی باشد، از این رو، این پرسش مطرح می‌گردد که آیا شرط کتبی بودن، از طریق نشانه‌های الکترونیکی تحقق‌پذیر است. کشورها در سطح منطقه‌ای و بین‌المللی با پیروی از اصل برابری کاربردی قانون نمونه تجارت الکترونیکی<sup>۱</sup>، شرط گزینش دادگاه را به صورت الکترونیکی معتبر می‌شناسند (کنوانسیون موافقتنامه انتخاب دادگاه، ۲۰۰۵، بند (c) ماده ۳ - آیین‌نامه بروکسل اول، ۲۰۰۱، بند ۲ ماده ۲۳). مشروط به اینکه در صورت الکترونیکی بودن در یک واسطه با دوام که امکان مراجعه بعدی به آن وجود داشته باشد، ذخیره شده باشد.<sup>۲</sup> بنابراین امکان درج شرط گزینش دادگاه در قراردادهای الکترونیکی به شکل فوق، شرایط شکلی لازم را برای اعتبار حقوقی آن ایفاء می‌کند. در قانون تجارت الکترونیکی ایران نیز با توجه به اصل برابری کاربردی، امکان انعقاد شرط گزینش دادگاه به شکل الکترونیکی وجود دارد و حتی با حصول شرایطی، قراردادهای متضمن این شرط می‌تواند اسناد رسمی محسوب گردد و دادگاه‌ها مکلف به اعطای اثر به این‌گونه توافق‌ها هستند (قانون تجارت الکترونیکی، ۱۳۸۲، مواد ۶ و ۱۴). در ایالات متحده آمریکا نیز با توجه به اصل برابری کاربردی مندرج در قانون متحدالشکل معاملات الکترونیکی، انعقاد موافقتنامه شرط گزینش دادگاه، به شکل الکترونیکی تجویز شده است (کنفرانس ملی کمیسیونرها<sup>۳</sup>، قانون متحدالشکل معاملات الکترونیکی) یوتا (۱۹۹۰)، بخش ۳؛ ونتسون، ۲۰۰۴: ۶۱). در اتحادیه اروپا نیز طرفین مجاز هستند با انعقاد قرارداد الکترونیکی، دادگاه یکی از دول عضو اتحادیه اروپا را برای

۱. برای بررسی مفهوم اصل برابری کاربردی ر. ک. به کنوانسیون استفاده از نشانه‌های الکترونیکی در قراردادهای بین‌المللی، ۲۰۰۵: ۲۷

۲. این رویکرد مطابق با اصول مندرج در قانون نمونه انسیترا ل راجع به تجارت الکترونیک است. زیرا از نظر قانون نمونه، شرط کتبی بودن از طریق درج یک داده پیام بر یک واسطه با دوام تحقق‌پذیر است. ر. ک. به قانون نمونه تجارت الکترونیکی، پیشین، ماده ۶ - قانون تجارت الکترونیکی، ۱۳۸۲، ماده ۲، بند ق

3. National Conference Of Commissioners On Uniform State Laws

رسیدگی به اختلاف‌های قراردادی یک رابطه حقوقی بین‌المللی تعیین کنند (آیین‌نامه بروکسل اول، ۲۰۰۱، بند ۲ ماده ۲۳). بنابراین، در نظام حقوقی اکثر کشورها، موافقتنامه‌های الکترونیکی متضمن شرط گزینش دادگاه، خواه به صورت قرارداد مبتنی بر انتخاب نمایه یا قرارداد توأم با دریافت باشد، به لحاظ شکلی، اعتباری همانند قرارداد کتبی دارد. در حقوق ایران به طور خاص قانونی درباره اعتبار شرط گزینش دادگاه وجود ندارد (قانون تجارت الکترونیکی، ۱۳۸۲، ماده ۷)، ولی به دلیل اینکه قانون تجارت الکترونیک از لحاظ شکلی، یک نوع برابری کاربردی بین قراردادهای الکترونیک و قراردادهای مبتنی بر کاغذ برقرار کرده است (مجلس شورای اسلامی قانون تجارت الکترونیکی، ۱۳۸۲، ماده ۶) انعقاد آن به شیوه الکترونیکی، شرط کتبی بودن را محقق می‌کند، مشروط به اینکه به لحاظ ماهوی نیز واجد اعتبار باشد و وسیله الکترونیکی که برای انعقاد موافقتنامه شرط گزینش دادگاه به کار می‌رود، قادر به ایجاد سابقه‌ای پایدار از آن برای مراجعات بعدی باشد. بر این اساس، اکثر موافقتنامه‌های شرط گزینش دادگاه که به صورت الکترونیکی منعقد و ذخیره می‌شود، این شرط را دارد، ولی برخی ارتباطات الکترونیکی ناپایدار، نظیر اِتاگ گفتگو، تلفن‌های اینترنتی که در حافظه موقت کامپیوتر ذخیره می‌شود، این شرط را ایفا نمی‌کند و در نتیجه، نمی‌تواند معادل کتبی بودن قرار گیرد.

اگر موافقتنامه شرط گزینش دادگاه، واجد شرایط شکلی مقرر باشد، نوبت به بررسی اعتبار حقوقی آن به لحاظ ماهوی می‌رسد. هیچ یک از قانونگذاری‌ها فهرستی از شرایط ماهوی لازم را برای اعتبار شرط گزینش دادگاه ذکر نکرده است (موافقتنامه انتخاب دادگاه، ۲۰۰۵، ماده ۱۵). در شرایط ماهوی این پرسش مطرح می‌گردد: آیا بین طرفین توافق لازم‌الاجرائی درباره تعیین دادگاه صالح منعقد شده است؟ یا اینکه این توافق به دلایلی نظیر مخالفت با نظم عمومی، عدم قصد و رضا، باطل یا غیرنافذ است (هاینس، ۲۰۰۲: ۱). برای تعیین اعتبار آن به لحاظ ماهوی، باید آن را در سایه اصول و قواعد حاکم بر حقوق قراردادها و عدم مغایرت با قواعد آمره (هاینس، ۲۰۰۲: ۱۵) و اصل صلاحیت حمایتی مورد بررسی قرار داد، زیرا بر اساس دکترین استقلال شرط گزینش دادگاه از قرارداد اصلی، آن شرط یک قرارداد مستقل از قرارداد اصلی محسوب می‌گردد.

از آنجایی که در کنوانسیون‌ها و قوانین حاکم صرفاً به بیان شرایط شکلی موافقتنامه انتخاب دادگاه بسنده شده است و مقرراتی برای بررسی اعتبار آن به لحاظ ماهوی وجود ندارد، برای اعتبارسنجی ماهوی آن، باید معیارهایی موسوم به معیار جهت‌قوی و معیار قراردادی اعمال شود.

### معیار جهت قوی

عمل به توافق راجع به شرط‌گزینش متکی به اصل وفای به عهد و عدول از آن، مبتنی بر لزوم رعایت عدالت قضایی بین طرفین قرارداد است. در واقع، در بررسی فوق باید بین دو اصل وفای به عهد و لزوم رعایت عدالت قضایی موازنه ایجاد کرد؛ یعنی اصل بر عمل به توافق طرفین (وفای به عهد) است، مگر مدعی با بیان دلایل موضوعی، دادگاه را برای عدول از اصل وفای به عهد قانع کند. یکی از دلایل، "اصل دادگاه نامناسب" است. بر اساس این اصل، خواهان می‌تواند اثبات کند که دادگاه منتخب، نامناسب است یا دادگاه دیگری مناسب‌تر است (ونتسون، ۲۰۰۴: ۶۶). در این صورت، بر اساس اصل لزوم رعایت عدالت قضایی، از اصل وفای به عهد عدول می‌شود.

بنابراین، ابتدا حکم لازم‌الاجرا بودن شرط‌گزینش دادگاه صادر می‌گردد، ولی این حکم قابل عدول است. یعنی ابتدا شرط‌گزینش دادگاه، واجد اعتبار حقوقی اعلام شده است، ولی ممکن است در رسیدگی‌های بعدی، بر خلاف حکم اولیه، تصمیم‌گیری شود (مزا، ۲۰۰۴: ۳۲). اگر طرف مقابل بتواند با بیان دلایلی، دادگاه را قانع کند، عدم رعایت شرط‌گزینش دادگاه مندرج در قرارداد، عادلانه است. از آنجایی که اصل بر عادلانه بودن عمل به توافق طرفین در خصوص دادگاه صالح است، بار اثبات عادلانه بودن عدم اجرای شرط‌گزینش دادگاه بر عهده خواهان است و وی باید با بیان ادله، اثبات کند که عدم اجرای شرط‌گزینش دادگاه، عادلانه و منصفانه است و اجرای آن غیرعادلانه است. یعنی خواهان عدم اجرای شرط باید ثابت کند که عدالت اقتضای عدم اجرای شرط‌گزینش دادگاه را دارد تا دادگاه غیرمنتخب به استناد شرط مورد توافق طرفین، قرار توقف رسیدگی را صادر نکند.

### روش قراردادی

در این روش، بر اساس اصل صحت، توافق طرفین درباره شرط‌گزینش دادگاه، معمول بر صحت و معتبر است، مگر اینکه دلیلی برای بطلان آن شرط بیان شود. یعنی دادگاه شرط‌گزینش را به لحاظ شرایط اساسی صحت تشکیل قراردادها مورد بررسی قرار می‌دهد و در سایه آن شرایط، برای قابلیت اجرا یا عدم اجرای آن شرط حکم می‌دهد. یعنی اگر خواهان بتواند اثبات کند که شرط‌گزینش در اثر اغوا، اکراه یا عدم رضا یا اشتباه، در قرارداد درج شده است، حکم به عدم اجرای آن شرط، صادر خواهد شد.

اعمال معیار قراردادی، مقدم بر اعمال ضابطه جهت قوی است، یعنی ابتدا باید اعتبار ماهوی و ارکان قراردادی شرط‌گزینش دادگاه به عنوان یک قرارداد لازم‌الاتباع بر اساس اصول حقوق قراردادهای

بررسی شود و صرفاً در صورت احراز شرایط اساسی صحت، معیار جهت قوی اعمال گردد، بنابراین برای صدور حکم به اعتبار ماهوی شرط گزینش دادگاه، باید هر دو ضابطه قراردادی و ضابطه جهت قوی اعمال شود.

علاوه بر این، تعیین قانون حاکم بر موافقتنامه انتخاب دادگاه به عنوان معیاری برای اعتبارسنجی قراردادی شرایط صحت ضرورت دارد، زیرا صرفاً پس از تعیین قانون حاکم بر موافقتنامه تعیین دادگاه صالح می‌توان انطباق شرایط تشکیل آن را با قانون مربوطه احراز کرد. بنابراین، ترتیب اعتبارسنجی ماهوی شرط گزینش به شرح ذیل است: الف) تعیین قانون حاکم؛ ب) اعمال روش قراردادی؛ ج) اعمال ضابطه جهت قوی.

### روش‌های تعیین دادگاه به شیوه الکترونیکی

اصل آزادی انتخاب شکل قراردادهای منع شده است که قانونگذاری‌ها، شیوه خاصی را برای بیان اراده به شکل الکترونیکی تجویز یا توصیه کنند (کنوانسیون استفاده از نشانه‌های الکترونیکی ۲۰۰۵، ماده ۹). به همین دلیل در هیچ یک از قانونگذاری‌ها، شکل و نوع خاصی برای قراردادهای الکترونیکی، وضع نشده است. بنابراین، اعتبار بیان قصد التزام به شرط گزینش دادگاه به شکل الکترونیکی را باید در قالب حکم کلی اعتبار بیان ایجاب، قبول و انعقاد قرارداد به شکل الکترونیکی دانست، زیرا شرط گزینش دادگاه، خود یک قرارداد است. دولت‌ها انعقاد قرارداد - به جز قراردادهایی که به نحوی با نظم عمومی مرتبط است - را به صورت الکترونیکی تجویز کردند و قانون‌گذاران منطقه‌ای و داخلی، ارتباط الکترونیکی را که منجر به سابقه‌ای دائم برای مراجعات بعدی شود، نوشته کتبی محسوب می‌کنند (شورا و پارلمان اروپا آیین‌نامه بروکسل ۲۰۰۱، ماده ۲۳، مجلس شورای اسلامی، قانون تجارت الکترونیکی، ۱۳۸۲ ماده ۶، شورا و پارلمان اروپا دستورالعمل تجارت الکترونیکی، ۲۰۰۰، بند ۱ ماده ۹). قاعده قراردادهای الکترونیکی، شرط گزینش دادگاه را نیز شامل می‌شود، پس، در حال حاضر انعقاد الکترونیکی موافقتنامه شرط گزینش دادگاه، صرف‌نظر از شکل و روش خاص، معتبر شناخته شده است و مانعی برای اعتباربخشی به آن به دلیل الکترونیکی بودن وجود ندارد. با این حال، دو نوع متفاوت از قراردادهای الکترونیکی، به طور خاص متضمن شرط گزینش دادگاه مرسوم است؛ اول، وب سایتی است که جزئیات و شرایط این قرارداد را در صفحه وب نمایش می‌دهد. در این صورت، شخص می‌تواند قبل از انتخاب گزینه موافقم، شرایط آن قرارداد را بخواند (پیوست ۱). شیوه مذکور، روش مبتنی بر انتخاب نمایه نامیده می‌شود. دوم، وب سایتی است که شرایط قرارداد را نشان نمی‌دهد،



بلکه فقط گزینه "موافقم" را نمایش می‌دهد و اگر شخص بخواهد شرایط استفاده را بخواند، باید گزینه دیگری را انتخاب کند و شرایط قرارداد را در صفحه دیگری بخواند. در این شیوه مصرف‌کننده می‌تواند بدون خواندن شرایط، گزینه موافقم را انتخاب کند. شیوه مذکور، روش توأم با دریافت نامیده می‌شود (ای هیل، ۱۳۸۵: ۳۶۰). آیا شیوه‌های مذکور می‌تواند بیانگر قصد قراردادی طرفین در التزام به شرط گزینش دادگاه باشد؟ در بیان اراده به شیوه "انتخاب نمایه" خریدار قبل از تکمیل فرایند خرید یا استفاده از خدمات، از طریق انتخاب گزینه "من موافقم" رضایت خود را درباره شرایط آن قرارداد اعلام می‌کند. رویه قضایی بیانگر این است که انتخاب گزینه "من موافقم" متضمن پذیرش صریح شرایط قرارداد است. از این رو، شرط گزینش مندرج در قرارداد مبتنی بر انتخاب نمایه را واجد اعتبار حقوقی می‌داند (مورینگلو و رینولدز، ۲۰۰۸: ۵) (مزا، ۲۰۰۴: ۴۵؛ ونتسون، ۲۰۰۴: ۶۰).

بنابراین رویه قضایی قراردادهای مبتنی بر انتخاب نمایه و شرط گزینش دادگاه مندرج در آن، معتبر شناخته شده‌اند.

در روش توأم با دریافت، برای دریافت خدمات، نیاز به اعلام رضایت درباره شرایط یا حتی دیدن آن قبل از استفاده نیست. زیرا شرایط استفاده، در یک ابرپیوند درج می‌شود. در ابرپیوند مذکور نوشته شده است لطفاً قبل از استفاده، شرایط را بخوانید و با آن موافقت کنید. ولی در صورتی شرایط نمایش داده می‌شود که کاربر روی ابرپیوند کلیک کند. در این شیوه، استفاده از خدمات، بیانگر رضایت ضمنی درباره شرایط اعلامی محسوب شده است، ولی از آنجایی که هدف اولیه کاربر، استفاده از خدمات سایت است، صرفاً استفاده از سایت دلیل رضایت نیست، زیرا الزام کاربران به موافقت با شرایط قبل از استفاده، موجب تشکیل قرارداد لازم‌الاتباع نمی‌گردد. زیرا اول اینکه، کاربران ممکن است آگاه نباشند که عمل استفاده، به منزله انعقاد قرارداد لازم‌الاجرا است؛ دوم اینکه، ارجاع به شرایط قرارداد، صرفاً دعوت به انعقاد قرارداد است. سوم اینکه، در قراردادهای الکترونیکی، سکوت طرفین دلیل رضایت محسوب نمی‌شود (قانون تجارت الکترونیکی، ۱۳۸۲، بند ق ماده ۴۳)، در نتیجه در این شیوه، رضایت لازم برای تشکیل قراردادی شرط گزینش دادگاه صالح اخذ نشده است (ونتسون، ۲۰۰۴: ۶۱). گرچه ابرپیوندها نوعی ارجاع در داده پیام است و به لحاظ حقوقی با حصول شرایطی، داده پیام محسوب می‌شود و واجد اعتبار حقوقی است (قانون تجارت الکترونیکی، ۱۳۸۲، بند ق ماده ۱). اما آنچه که سبب می‌شود شرط گزینش دادگاه مندرج در روش توأم با دریافت، فاقد اعتبار باشد، عدم احراز قصد التزام به شرط گزینش دادگاه از طریق آن است. به همین دلیل، رویه قضایی شرط گزینش مندرج در قراردادهای توأم با دریافت را معتبر نمی‌داند و در احکام متعددی، عدم اعتبار این نوع قراردادهای اعلام

شده است (کلپرتون و کرونس، ۲۰۰۷: ۴-۶) و (لئون، ۲۰۰۹: ۱۷۱).

در نتیجه، می‌توان گفت به لحاظ رویه قضایی، شرط گزینش دادگاه مندرج در قراردادهای توأم با دریافت، به دلیل عدم اخذ موافقت صریح کاربران قبل از استفاده از خدمات، اجرائشدهنی نیست و استفاده از آن را نیز نمی‌توان رضایت ضمنی کاربران محسوب کرد.

### محدودیت‌های طرفین در تعیین دادگاه صالح

اعتبار شرط گزینش دادگاه در قراردادهای بین‌المللی، به عنوان یک اصل در کنوانسیون‌های بین‌المللی پذیرفته شده است، ولی اعتبار حاکمیت اراده طرفین درباره این موضوع، مطلق نیست و محدودیت‌های موضوعی و شخصی درباره این اطلاق وجود دارد.

#### محدودیت‌های مرتبط با طرفین قرارداد

بر اساس اصل صلاحیت حمایتی، اگر یکی از طرفین قرارداد، مصرف‌کننده باشد، صرفاً پس از ایجاد اختلاف، می‌توان به تعیین شرط گزینش دادگاه در قرارداد پرداخت و هر گونه توافق منعقد شده قبل از حدوث اختلاف، بی‌اعتبار است و این صلاحیت حمایتی، به صورت قراردادی قابل عدول نیست (قانون تجارت الکترونیکی، ۱۳۸۲، مواد ۴۶-۴۵؛ آیین‌نامه بروکسل، ۲۰۰۱، ماده ۱۷). این محدودیت به دلیل ویژگی‌های شخصی یکی از طرفین قرارداد است، زیرا فرض اولیه قانون‌گذاران، عدم تعادل طرفین در ایجاد این رابطه حقوقی است که به عنوان اصل صلاحیت حمایتی مشهور است و قراردادهای مصرف‌کننده، قراردادهای استخدام و قراردادهای بیمه را شامل می‌شود که معمولاً به صورت الحاقی است و یکی از طرفین، شرایط قرارداد را تعیین می‌کند و طرف مقابل، صرفاً حق پذیرش شرایط و تداوم قرارداد یا صرف‌نظر کردن از انعقاد قرارداد را دارد. شرایط اصولاً نابرابر است، زیرا فروشنده شرایط را به طور یک‌جانبه و به نفع خود پیش‌بینی می‌کند و مصرف‌کننده بدون هیچ اختیاری در تعدیل شرایط، مجبور به پذیرش آن است. همین ملاحظات ناشی از عدم تعادل در قدرت چانه‌زنی و لزوم حمایت از طرف ضعیف‌تر، مورد توجه قانون‌گذاران قرار گرفته است و شروط مندرج در این‌گونه قراردادها، از نظر بسیاری از قوانین، برای طرف ضعیف‌تر لازم‌الاتباع نیست. به همین دلیل، در موارد متعددی، شرط گزینش دادگاه در قراردادهای مصرف‌کننده، به دلیل مغایرت با اصل صلاحیت حمایتی و اعراض قراردادی از حقوق حمایتی مصرف‌کننده و بر خلاف نظم عمومی محسوب شده و فاقد اعتبار حقوقی اعلام شده است (ایوپک، ۲۰۰۷: ۴۰؛ مجلس شورای اسلامی،

قانون تجارت الکترونیکی، ۱۳۸۲، مواد ۴۵ و ۴۶؛ اندرسون، ۲۰۰۷: ۱۶).

اما در حال حاضر، فرض سنتی ضعیف‌تر بودن مصرف‌کننده از فروشنده، کم‌اهمیت‌تر شده است، زیرا عرضه خدمات و کالا در فضای مجازی به وسیله فروشندگان متعدد، موجب افزایش قدرت انتخاب مشتریان شده است. از این رو، در معامله‌های برخط باید به فرض عدم تعادل در قدرت چانه‌زنی کمتر توجه کرد. زیرا فناوری اطلاعات منجر به تغییر قدرت نفوذ بین فروشنده و خریدار شده است؛ به گونه‌ای که مشتریان، در بازار تجارت الکترونیک، قدرتمندتر از تجار هستند. زیرا قدرت در روابط تجاری، ناشی از دو عنصر دانش و انتخاب است. فضای مجازی توانسته است قدرت انتخاب مصرف‌کنندگان را در سطح بازار جهانی گسترش دهد و اطلاعات را درباره کالاها و خدمات، معمولاً به طور رایگان در اختیار وی بگذارد (لستر، ۲۰۰۳: ۴۴۱). در نتیجه، عدم پذیرش مطلق شرط گزینش دادگاه در قراردادهای الکترونیکی مصرف‌کننده، موجه نیست؛ علاوه بر این، موجب عدم توسعه تجارت الکترونیک نیز می‌شود، زیرا بسیاری از فروشندگان به منظور جلوگیری از تعقیب شدن در دادگاه‌های خارجی، حیطه تجارت خود را به مکان‌های خاصی محدود می‌کنند. بنابراین، اعطای اعتبار حقوقی به شرط گزینش دادگاه در قراردادهای الکترونیکی مصرف‌کننده، می‌تواند به توسعه تجارت الکترونیک کمک کند و این کار به نفع مصرف‌کنندگان نیز است.

#### محدودیت‌های موضوعی

بر اساس اصل برابری کاربردی داده پیام با نوشته کلیه اعمال حقوقی مبتنی بر قراردادهای کاغذی، از طریق قراردادهای الکترونیکی نیز تحقق‌پذیر است. اما این اصل استثنائاتی دارد و موضوعاتی نظیر اسناد مالکیت اموال غیرمنقول، اسناد فروش داروها، قراردادهای مرتبط با موضوعات خانوادگی، خانگی، شخصی، معاملات راجع به تعدیل نرخ ارز، معاملات ارزی خارجی، نظام پرداخت بین بانکی، توافق‌های پرداخت بین بانکی یا نظام‌های تهاتر و تصفیه مربوط به اوراق بهادار یا سرمایه‌ها و سایر اسناد مالی، انتقال حقوق ناشی از اوراق بهادار از طریق قرارداد، اسناد در وجه حامل، دعوی راجع به شرکت‌ها و علائم تجاری، از شمول این اصل کلی خارج شده است (قانون تجارت الکترونیک پیشین ماده ۶ و ۲؛ کنوانسیون موافقتنامه انتخاب دادگاه، پیشین، ماده ۲؛ کنوانسیون استفاده از نشانه‌های الکترونیکی در قراردادهای الکترونیکی، ۲۰۰۵: ماده ۲؛ آیین‌نامه بروکسل، ۲۰۰۱، ماده ۲۲). زیرا در قوانین داخلی یا کنوانسیون‌های بین‌المللی، دادگاه مشخصی برای رسیدگی به حل و فصل اختلاف‌های مربوط به این موضوعات تعیین شده است. با توجه به اینکه مقررات صلاحیت،

جزء قواعد آمره محسوب می‌گردد، عدول از آن با توافق طرفین، فاقد اثر حقوقی است (قانون مدنی، ماده ۱۰ و قانون آیین دادرسی دادگاهی عمومی و انقلاب در امور مدنی، مواد ۱۲، ۲۱، ۲۲، ۲۳، ۲۵). بنابراین انعقاد موافقتنامه انتخاب دادگاه یا شرط گزینش دادگاه درباره موارد فوق به شکل الکترونیکی، فاقد اثر حقوقی است.

### نتیجه‌گیری

بر اساس اصل برابری کاربردی و اصل آزادی طرفین در انتخاب شکل قرارداد، بیان اراده طرفین راجع به تعیین دادگاه به شکل الکترونیکی به لحاظ حکمی و شکلی، واجد اعتبار حقوقی است؛ اعم از اینکه به صورت موافقتنامه مستقل منعقد گردد یا به عنوان یکی از شروط ضمن عقد الکترونیکی درج شود. از این رو، صرف الکترونیکی بودن، مانعی برای اعتباربخشی به این شرط نیست. با این حال، به لحاظ ماهوی بر اساس نظریه استقلال شرط گزینش دادگاه از قرارداد اصلی، هر شرط باید به طور مستقل در چهارچوب قواعد ماهوی حاکم بر قراردادها که از طریق اعمال قواعد تعارض قوانین مشخص می‌گردد، در سایه اصل وفای به عهد و اصل لزوم رعایت عدالت قضایی اعتبارسنجی، ماهوی شود که در مقام تزاخم بین دو اصل مذکور، اعمال اصل لزوم رعایت عدالت قضایی اولویت دارد.

### منابع

#### فارسی

- اصلانی، حمیدرضا (۱۳۸۹). معیارها و آثار تعیین محل وقوع نقض حق دارندگان علائم تجاری در فضای مجازی. *فصلنامه حقوق دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران*، دوره ۴۰، شماره ۲، صص ۳۳-۲
- آهنی، بتول (۱۳۸۳). انعقاد قراردادهای الکترونیکی. *فصلنامه فقه و حقوق اسلامی دانشگاه امام صادق (ع)*، ش ۹، صص ۳۵-۳۴.
- بختیاروند، مصطفی (۱۳۸۹). صلاحیت محاکم در قراردادهای الکترونیک مصرف کننده. *فصلنامه حقوق دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران*، دوره ۴۰، شماره ۳، صص ۹۵-۷۷
- بناء نیاسری، ماشاءاله (۱۳۸۵). تشکیل قرارداد در فضای سایبر. *فصلنامه بصیرت*، ش ۳۵، صص ۶۹-۳۴
- توماس جی اسمندینگاف (۱۳۸۵). قواعد ضروری جهت اعتبار تعاملات الکترونیکی در عرصه جهانی. ترجمه

- مصطفی بختیاروند. مجله حقوقی بین‌المللی نشریه مرکز امور حقوقی بین‌المللی معاونت حقوقی و امور مجلس ریاست جمهوری، ش ۳۸، صص ۲۸۳-۲۶۱
- جنیفر ای هیل (۱۳۸۵). خلاءها و گریزهای ذاتی کنوانسیون سازمان ملل متحد راجع به بیع بین‌المللی کالا. آینده قراردادهای الکترونیکی در عرصه بین‌الملل. ترجمه مصطفی السان و زینب کنعانی. مجله حقوقی مرکز امور حقوقی بین‌المللی ریاست جمهوری، ش ۳۵، صص ۳۹۴-۳۴۷
- خلیلیان، خلیل (۱۳۸۲). *دعای حقوقی ایران و آمریکا مطرح در دیوان داورى لاهه*. تهران: شرکت سهامی انتشار.
- زوزانا اسلوآکوا (۱۳۸۸). دادگاه صالح حاکم بر دعای ناشی از نقض علائم تجاری اینترنتی در اتحادیه اروپا. ترجمه محسن صادقی و حسین کاویار. *ماهنامه کانون*، ش ۱۱۲، صص ۱۷۱-۱۵۱.
- سالواتور مانکوسو (۱۳۸۸). حمایت از مصرف کننده در قراردادهای تجارت الکترونیک، مقایسه بین حقوق اتحادیه اروپا و حقوق اسلام. ترجمه حسین کاویار و علی‌اکبر ایزدی‌فرد. *ماهنامه کانون*، ش ۱۰۰، صص ۱۷۰-۱۵۵
- السان، مصطفی (۱۳۸۴). تشکیل قراردادهای الکترونیکی. *فصلنامه پژوهشنامه بازرگانی*، ۳۶، صص ۱۸۴-۱۴۱
- السان، مصطفی (۱۳۸۵). ایجاب و قبول معاملات الکترونیکی. *مجله تحقیقات حقوقی دانشگاه حقوق دانشگاه شهید بهشتی*، ش ۴۳، صص ۴۰۶-۳۳۷
- سیلوپا م رکودو (۱۳۸۹). رویکرد نظام حقوقی ایالات متحده آمریکا و اروپا به تشکیل قراردادهای الکترونیکی. ترجمه ابراهیم نوشادی. ویژه‌نامه مجله حقوقی بین‌المللی، صص ۲۰۲-۱۸۳
- صادقی، محسن (۱۳۸۹). مطالعه تطبیقی تعیین مرجع صالح رسیدگی به دعای حقوقی نقض اسرار تجاری در فضای دیجیتالی. *فصلنامه پژوهشنامه بازرگانی*، شماره ۵۵، صص ۷۳-۴۷
- فای فنکفی ونگ (۱۳۸۹). *صلاحیت قضایی در دعای ناشی از قراردادهای اینترنتی، بررسی حقوق اتحادیه اروپا و ایالات متحده*. ترجمه عباس کریمی حسین کاویار. *مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی*، ۴۰ (۱۰۱)، صص ۲۵۶-۲۳۹
- قانون تجارت الکترونیکی (۱۳۸۲). مصوب ۱۳۸۲/۱۰/۱۷، مجلس شورای اسلامی روزنامه رسمی ۱۳۸۲/۱۱/۱۱، سال ۵۹، شماره ۱۷۱۶۷
- معاونت پژوهش و آموزش مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی (۱۳۸۶). *حل و فصل اختلافات سرمایه‌گذاری*. تهران: انتشارات مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی.
- مؤسسه بین‌المللی یکنواخت کردن حقوق خصوصی (۱۳۸۵). *اصول قراردادهای تجاری بین‌المللی*. ترجمه بهروز اخلاقی و فرهاد امام. تهران: شهر دانش.
- نوشادی، ابراهیم (۱۳۹۰). صلاحیت و قانون حاکم بر قراردادهای الکترونیکی بین‌المللی، رساله دکتری، به

- راهنمایی فیضی چکاب، غلام نبی، دانشگاه پیام نور  
 نوشادی، ابراهیم وحجت‌زاده، علیرضا (۱۳۹۰). قانون حاکم بر قراردادهای الکترونیکی بین‌المللی. مجله حقوقی  
 بین‌المللی، ش ۴۴. صص ۲۶۳-۲۸۱
- نوشادی، ابراهیم و باقری محمود (۱۳۹۰) چالش‌های اعمال حقوقی تجاری در فضای مجازی، فصلنامه علمی  
 پژوهشی برنامه بودجه، ش ۱، صص ۴۶-۲۷
- نیکبخت، حمیدرضا (۱۳۷۶). چگونگی تعیین قانون حاکم بر تعهدات قراردادی. *تحقیقات حقوقی دانشکده  
 حقوق دانشگاه شهید بهشتی*، ش ۲۲-۲۱، صص ۲۲۰-۱۸۳
- نیکبخت، حمیدرضا (۱۳۷۹). ماده ۹۶۸ قانون مدنی و ماده ۲۷ قانون داوری تجاری بین‌المللی ایران. *مجله  
 تحقیقات حقوقی*، ش ۳۱-۳۲، صص ۱۴۸-۱۲۵
- نیکبخت، حمیدرضا (۱۳۸۳). مسائل مطرح در قانون حاکم بر قرارداد. *مجله تحقیقات حقوقی*، ش ۳۹، صص  
 ۲۰۲-۱۶۳
- نیکبخت، حمیدرضا (۱۳۸۵). محدودیت‌های اعمال قانون خارجی در تعارض قوانین. *مجله تحقیقات حقوقی*،  
 شماره ۴۴، صص ۱۳۸-۱۰۹

### انگلیسی

- Anderson, Rachel Cormier (2007). 'Enforcement of contractual terms' in clicwrap agreements: court refusing to enforce selection and binding arbitration clauses. *Shidler Journal*. 11 (Feb. 14) Retrieved from <http://www.lctjournal.washington.edu/Vol3/a011Cormier.html>
- Andrea, Schulz. (2004). *Legal Aspects of E-Commerce Transaction*, International Conference in The Hague 27 October 2004, Munchen. European law publishers .
- Brand, Ronald A. (2008). A Global Convention on Choice of Court Agreements. *LLSA Journal of International & Comparative Law*, 10, 345351-.
- European Parliament and of the Council, ([ EC] No. 442001/) Brussels I Regulation, Official Journal of the European Communities. P. 1-23, Retrieved from :eur-lex.europa.eu
- Carlo, Mastellone (2009). Choice of Law and Jurisdiction Clauses in Cross Border and Distribution Agreements From An EU Perspective, In proceedings of UIA Seminar Atlanta 1 - 2 May 2009, pp132- Retrieved from: <http://www.studiomastellone.it/>
- Clapperton, Dale M. & Corones, Stephen G. (2007) Unfair terms in 'clickwrap' and other electronic contracts. *Australian Business Law Review*, 35, pp. 152180-
- European Parliament and Council, Directive 200031/EC, Directive on Electronic Commerce, Official Journal of the European Communities. Pp17815/178-1/ , Retrieved from :eur-lex.europa.eu
- Ekaterina, Ivanova. (2010). Choice of Court Clauses and Lis Pendens under Brussels I Regulation. *Merkourios*, 27 )71(, 1216-.
- Farah, Youseph. (2006). Jurisdictional rules applicable to electronic consumer contracts. *BILETA*.

- Forner, Joaquim-J. (2002). International Jurisdiction In "Business To Business" (B2B) on line Performed Contracts, in John J.Barcelo III – Kevin M. Clermont), A Global Law of Jurisdiction and Judgments: Lessons From The Hague ,The Hague (Kluwer Law international),pp. 4773-.
- Geist Michael. (2001). Is There a There? Toward Greater Certainty for internet Jurisdiction Uniform Law of Canada and Industry (QL). Vol 16, pp164-Retrived from :<http://www.law.berkeley.edu/journals/btlj/articles/vol16/geist/geist.pdf>
- Hague Conference on Private International Law, (2005) Hague Convention on Choice of Court Agreements, retrieved from <http://www.hcch.net/upload/conventions/txt37en.pdf>
- Haines, Avril. D. (2002). choice of court agreements in International Litigation:their use and legal problems, retrived from : <http://www.hcch.net/e/workprog/jdgm.html>
- Kautus M. Das. (2002). Forum-selection Clauses in Consumer Click wrap and Browse wrap Agreements and 'The Reasonably Communicated. Test , 77 wash.I- rev-481487-
- Laster, Timothy. P. (2003). Globalized Automatic Choice of Forum :where do Internet Consumers Sue? Proposed Article 7 of the hague Convention on International Jurisdiction and Foreign Judgments in civil and commercial Matters and Its Possible Effects on E-commerce. New English Journal of International Law & Comparative Law, vol 9 (2) , pp431489-
- Leon, Trakman. (2009). The Boundaries of Contract Law in Cyberspace. University of New South Wales, Faculty of Law, Research Series, Paper 13, Retrived from <http://law.bepress.com/unswwps/flrps09/art13>
- Louise Ellen Teitz. (2005). The Hague Choice of Court Convention: Validating Party Autonomy and Providing an Alternative to Arbitration, The American Journal of Comparative Law, 53(3), 543558-.
- Mathew Burstein. (1998). A Global Network in a Compartmentalized Legal Environment in Katharina Boele-Woelki and Catherin Kessedjian, Which Court Decides? Which Law Applies?., :Kluwer Academic publisher,Dordrecht,Netherlands,pp2327-
- Meza, Rita Villanueva (2004). Electronic commerce & Jurisdiction: Are Forum Selection Clauses in online contracts Enforceable? (MASTER DISSERTATION) University of Toronto , CANADA.
- Moringiello, Juliet M. and Reynolds, William L(2008)., Survey of the Law of Cyberspace: Electronic Contracting Cases 20072008- ,Business Lawyer, Vol. 64, No. 1, p. 846-.
- Ievpak Viktor, (,2007) Jurisdictional Issue of E-commerce Consumer Contracts in the Case of Absence Choice of Court, short theses, central European university.Retrieve from: [www.etd.ceu.hu/2007/ievpak\\_viktor.pdf](http://www.etd.ceu.hu/2007/ievpak_viktor.pdf)
- Rosner Norel. (2002).international jurisdiction in European union E-commerce contracts law and technology, Resource for professional (LLRX), retrieved from: [www.llrx.com/features/eu\\_ecom.htm](http://www.llrx.com/features/eu_ecom.htm).
- Svantesson, D. J. B. (2004). An introduction to jurisdictional issues in cyberspace. Journal of law, information and science, 15(1), 5074-
- Trackbacks Pingbacks. (2011).New article on the US Reception of Private International Law Conventions. The Blog of International Judicial Assistance, Retrieved from <http://lettersblogatory.com/201107/02/>